

عنوان مقاله:

تحلیل فرایند گفتمانی گسست و پیوست در غزل های کمال خجندی

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب غنایی، دوره 17، شماره 32 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

ابراهیم کنعانی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد

خلاصه مقاله:

کمال خجندی، شاعر شیرین سخن سبک عراقی و یکی از درخشان ترین چهره های غزلی شعر فارسی است. یکی از گونه های گفتمانی که در غزل های کمال کاربرد گسترده ای دارد، گفتمان شناختی است. در گفتمان شناختی، فرایند کنشی در تعامل با فرایند شوشی ایفای نقش می کند و به همین دلیل، شناخت به گونه ای باز، متکثر و پویا تبدیل می شود. یکی از مباحثی که در گفتمان شناختی مطرح می شود، گسست و پیوست گفتمانی است. در فرایند گسست و پیوست، من شناختی کنشگر با من پدیداری و استعلایی او مرتبط می شود؛ حال زمانی در ارتباط با نه حال زمانی و مکان گفته پردازی در ارتباط با نه مکان گفته ای قرار می گیرد. در مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی، گفتمان شناختی و فرایند گسست و پیوست گفتمانی در غزل های کمال خجندی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. پرسش اصلی پژوهش این است که فرایند گسست و پیوست گفتمانی چگونه در غزل های کمال تحقق پیدا می کند و از این طریق چه معنایی تولید می شود. در فرایند گسست و پیوست در غزل کمال، شاهد تعامل دوسویه فضای گفته پردازی و فضای گفته ای، یا دنیای گفته پرداز و گفته خوان هستیم. با وجود این، ساختار غالب گفتمان از آن گسست است و پیوست های گفتمانی نیز در خدمت گسست گفتمانی قرار می گیرند.

کلمات کلیدی:

کمال خجندی، گفتمان، شناختی، شوشی، گسست و پیوست

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1009209>

